

مؤلفه‌های عزت (و اقتدار) فرهنگی

در نهادینه شدن سبک زندگی اسلامی*

□ نبی‌الله صدری^۱
□ محمد مولوی^۲

چکیده

هدف این پژوهش عبارت است از کشف مؤلفه‌های فرهنگی در رسیدن به سبک زندگی اسلامی و سؤال پژوهش هم این است که مؤلفه‌های عزت (و اقتدار) فرهنگی که در سبک زندگی اسلامی اثر مستقیم دارند، کدامند؟ آنچه در این مقاله بدان پرداخته شده، نه تمام مؤلفه‌ها می‌باشد؛ بلکه گزینشی از مهمترین‌ها بوده است که عبارتند از: احیای هویت فردی و اجتماعی و توجه به داشته‌های خودی در جامعه؛ بکارگیری قاعده نفي سبیل در نفي تسلط فرهنگی دشمن در حوزه‌های فرهنگی؛ معرفی اسوه‌های حقیقی به جامعه در جهت نفي الگوپردازی‌های کاذب و جعلی؛ ترویج فرهنگ قناعت و ساده‌زیستی در جامعه، و افزایش کیفیت دین‌داری و تقوای فردی و جمعی. اینها برخی از مؤلفه‌هایی هستند که جنبه اجتماعی آنها قوی‌تر است؛ گرچه می‌توان از مؤلفه‌های دیگری هم نام برد.

واژگان کلیدی: مؤلفه، عزت، ذلت، فرهنگ، سبک زندگی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۹.

۱. مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) (sadrifar@gmail.com).

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (molavi@isr.ikiu.ac.ir).

مقدمه

از جمله مسائل مهمی که در چندین سال اخیر با اشارات رهبر معظم انقلاب مورد توجه و بحث قرار گرفته، موضوع سبک زندگی اسلامی می‌باشد. به‌طور حتم، کاستی‌هایی در کار وجود دارد و مسئولین فرهنگی و غیرفرهنگی به دلایل مختلف غفلت نموده‌اند و عوامل چندی دست به دست داده تا زندگی مردم، به سمت و سویی غیراسلامی سوق داده شود، تا جایی که در سبک زندگی یک ایرانی مسلمان، تغییرات جدی پیدا شده و الگوهای دیگری، جایگزین الگوی ایرانی اسلامی شده و خانواده، ایرانی مسلمان را، از فرهنگ حقیقی خود تهی نموده و فرهنگ مصرف‌گرای غربی را، در سبک رفتار و زندگی خود در پیش گرفته است.

به نظر می‌رسد، نسبت بین فرهنگ و سبک زندگی، عام و خاص می‌باشد، بدین معنا که سبک زندگی زیر مجموعه فرهنگ قرار می‌گیرد. لذا شیوه سبک زندگی را می‌توان در تمام جوامع بشری، بخشی از فرهنگ آن جامعه برشمرد. در هر جامعه‌ای، دور شدن و تهی شدن جامعه از فرهنگ اصیل خود، دور شدن از سیستم سبک زندگی، مطابق فرهنگ جامعه را در پی خواهد داشت. بنابراین یکی از مسائل مهمی که در نزدیک شدن جامعه به سبک زندگی اسلامی و یا دور شدن از سبک زندگی اسلامی نقش آفرین است، مسئله عزت و (اقتدار) فرهنگی و در مقابل آن، ذلت و (خواری) فرهنگی می‌باشد. بین عزت فرهنگی و سبک زندگی اسلامی و در مقابل، ذلت فرهنگی و دور شدن از سبک زندگی اسلامی، رابطه مستقیمی وجود دارد. بنابراین، عواملی که عزت و اقتدار فرهنگی ما را تقویت نماید، به همان اندازه ما را به سبک زندگی اسلامی نزدیک نموده و عوامل ذلت آور هم، جامعه را از سبک زندگی اسلامی دور می‌نماید. زیرا بین سبک زندگی و فرهنگ، رابطه مستقیم وجود دارد. البته این یک رابطه تشکیکی است، یعنی هر چقدر عوامل عزت‌آفرین قوی‌تر باشد و عوامل ذلت کم باشد، جامعه از سبک زندگی اسلامی قوی‌تری برخوردار خواهد بود و هر چقدر مقوله‌های ذلت‌پذیری قوی باشد، جامعه به همان نسبت از سبک زندگی اسلامی دور می‌شود. لذا، عزت فرهنگی نقش بسیار مهمی در رسیدن به سبک زندگی اسلامی دارد. امام خمینی (ره)، ضمن هشدار نسبت به تهی شدن جوامع از فرهنگ خودی،

آثار این تهی شدن از فرهنگ خودی را عدم استقلال دانسته و بیان نموده‌اند: «تا زمانی که ملت‌ها خودشان را گم کرده‌اند و دیگران را به جای خودشان نشانده‌اند، نمی‌توانند استقلال پیدا کنند. کمال تأسف است که کشور ما حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد و این فرهنگ و حقوق را نادیده گرفته و به دنبال غرب است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۶۳/۱۶).

تحقیقات گوناگونی در زمینه سبک زندگی اسلامی به جامعه عرضه شده است؛ اما از نگاه فرهنگی و نقش فرهنگ و رابطه آن با سبک زندگی، کمتر سخن به میان آمده است. در اینجا، سخن و سؤال اساسی این است که چه مؤلفه‌هایی را در عزت فرهنگی در جامعه خود احیا و پیاده نماییم تا بتوانیم به سوی سبک زندگی اسلامی رهنمون شویم؟ هدف از این مقاله، شناسایی مؤلفه‌هایی است که ما را به عزت فرهنگی و در نتیجه نیل به سبک زندگی اسلامی رهنمون می‌نماید.

پیشینه بحث

در حوزه، سبک زندگی محققان و نویسندگان در رشته‌ها و تخصص‌های مختلف، طرح مسئله نموده و کتاب‌ها و مقالات مختلفی را به جامعه عرضه داشته‌اند که اجمالاً به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف. کتابها و پایان‌نامه‌ها: سبک زندگی و مصرف فرهنگی؛ سبک زندگی اسلامی ایرانی؛ بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ها بر سبک زندگی ساکنان تهران؛ سبک زندگی و مصرف؛ بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون (رساله دکتری)؛ بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در فیلم‌های سینمایی دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰ سینمای ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ طبقه اجتماعی و سبک زندگی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ دین و سبک زندگی، مصرف و سبک زندگی.

ب: مقالات: مروری بر شاخص‌های سبک زندگی اسلامی؛ بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی و الگوی رفتار در فیلم‌های سینمایی پرفروش؛ روش‌های اهل بیت علیهم‌السلام در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی؛ ضرورت ارائه تعریف بومی اسلامی ایرانی از سبک زندگی؛ سبک زندگی به عنوان شاخص برای ارزیابی سطح ایمان.

الف. مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به بحث، به تعریفی از واژگان مورد نیاز در بحث می‌پردازیم. بدون این تعاریف ممکن است هر کسی دچار برداشت متفاوتی شود.

۱. مؤلفه

مؤلفه: عنصر یا اجزای تشکیل دهنده یک چیز که بدون داشتن آنها نمی‌توانیم آن را تجزیه و تحلیل کنیم (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل: مؤلفه). لذا وقتی که ما در موضوع بحث از مؤلفه‌ها بحث می‌کنیم، مرادمان آن اجزایی است که بدون در نظر گرفتن آنها، مسئله عزت و اقتدار فرهنگی شکل نخواهد گرفت.

۲. فرهنگ

فرهنگ: مجموعه‌ای است از فضایل و هنرها و آداب و دانش‌ها و معارف و کلیه نیروهای اخلاقی و روحی که بشر را از حالت بدوی و ابتدایی خارج ساخته و به سوی کمال معنوی سوق می‌دهد (ثقفی، ۱۳۴۸: ۲۵). مجموعه‌ای از سنت‌ها، باورها، آداب و اخلاق فردی یا خانوادگی اقوامی است که پابندی ایشان بدین امور، باعث تمایز آن‌ها از دیگر اقوام و قبایل می‌شود. به عبارت دیگر، فرهنگ مجموعه باورهای فرد یا گروهی خاص است و چون باورها ذهنی‌اند، پس فرهنگ جنبه عینی ندارد.

۳. عزت و عزت فرهنگی

لغویون، عزت را به معنای توانایی در مقابل ذلت معنا نموده‌اند. راغب در مفردات آورده است: «عزت حالتی است که از مغلوب بودن انسان مانع می‌شود» (راغب، ۱۴۱۲، ۵۶۳). در فرهنگ فارسی، عزت به معنای عزیز شدن، گرامی شدن، ارجمندی و احترام آمده است (عمید، ۱۳۸۶، ذیل واژه) در مقابل واژه عزت، واژه ذلت بکار می‌رود که به معنی خواری و رام شدن است. در صحاح اللغه آمده است: «ذلیل شخصی را گویند که آشکارا خوار باشد و ناقه ذلول، شتر رام است» (جوهری، ۱۹۸۴: ذیل واژه). دهخدا هم در لغتنامه‌اش، معانی عظمت و بزرگواری و ارجمندی و ارج و سرافرازی را، از جمله معانی این واژه برشمرده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل: عزت). مراد از عزت در این مقاله،

همان توانایی و اقتدار می‌باشد که در عرف هم این معنا در ذهن منعکس می‌گردد. کلمه عزت به واژگان مختلفی اضافه می‌شود و با توجه به مضاف الیه آن، معانی متفاوتی پیدا می‌نماید. از جمله این موارد، می‌توان به عزت فرهنگی اشاره نمود و اصطلاحی است که تعریف خاصی از آن ارائه نشده است. در اینجا با تعریفی که از واژه عزت و فرهنگ ارائه شد، تعریفی پیشنهادی از عزت فرهنگی ارائه می‌دهیم که عبارت است از: توانایی‌ها و داشته‌های فرهنگی اصیل در جامعه اسلامی، از جمله سنت‌های صحیح و باورهای فردی و اجتماعی و خانوادگی در کشور که موجب افتخار و سربلندی ما می‌شود و بر آنها باید پافشاری نمود.

۴. سبک زندگی

سبک زندگی با رویکرد اسلامی، مبتنی بر معنا و فلسفه زندگی اسلامی است، نه معنا و فلسفه زندگی مادی سکولار (خطیبی، ۱۳۹۲، ۲۴). برخی پژوهشگران، ضمن نقد تحقیقاتی که براساس تعاریف غربی از سبک زندگی ارائه می‌شود آورده‌اند: ارائه تعریف دقیق و علمی از اصطلاحات مورد کاربرد در موضوعات اجتماعی، همچون سبک زندگی، امری اجتناب‌ناپذیر است. از طرفی، تمام تعاریف موجود در این خصوص، توسط نظریه‌پردازان اجتماعی غربی ارائه شده و صاحب‌نظران اسلامی ایرانی نیز، متأسفانه بدون ارائه تعریف بومی از سبک زندگی، مبنای تحقیقات خود در این زمینه را بر تعاریف غربی‌ها بنیان نهاده‌اند؛ در حالی که مفهوم اجتماعی سبک زندگی، بین فرهنگ غربی و اسلامی، صرفاً یک اشتراک لفظی است و مفهوم ماهوی و چیستی آن، که منتزع از نوع نگاه و تعریف هر فرهنگ بدان است، کاملاً متفاوت از همدیگر است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد، ریشه و علت اصلی اختلاف ماهوی در تعریف از چیستی سبک زندگی در فرهنگ خودی و غرب، دو چیز است:

۱. تضاد در جهان‌بینی و تفسیر از خود زندگی، تعریفی که فرهنگ اسلامی - ایرانی از زندگی و خوب و بد بودن آن براساس آخرت‌گرایی توصیف می‌کند، درست در نقطه مقابل فرهنگ غرب است که بر مبنای مکتب امانیسم و لذت‌گرایی و هدف‌غایی بودن زندگی دنیوی استوار است؛

۲. تضاد در فلسفه و هدف غایی: کارکردها، ویژگی‌ها، شاخص‌های بررسی، فلسفه وجودی و اهداف مورد انتظار از پرداختن به سبک زندگی، در دو فرهنگ مذکور، متفاوت و در مواردی در تقابل با یکدیگر هستند. لذا رجوع به نظرات متفکران غربی در این زمینه، نه لازم است، نه کافی و نه تلفیق شدنی و لزوماً باید از نوع نگاه نشئت گرفته از جهان‌بینی خاص بومی (اسلامی - ایرانی) برای تعریف سبک زندگی بهره گرفته شود (ولی‌زاده، ۱۳۹۲، ۳۰).

با این مقدمه، تعاریفی را که برخی پژوهشگران اسلامی براساس رویکرد دین‌شناسانه از سبک زندگی ارائه داده‌اند، ذکر می‌کنیم:

مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته، که متأثر از باورها و ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته شده، و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی، وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند (شریفی: ۱۳۹۱، ۵۱).

در جای دیگری آورده‌اند: سبک زندگی، نظام‌واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام‌واره، هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌سازد. سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد دانست که نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازد، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خویش بر می‌گزیند، در برابر دیگران مجسم می‌سازد. سبک زندگی، کاملاً قابل مشاهده یا قابل استنتاج از مشاهده است (شریفی: ۱۳۹۲، ۲۷).

ب. شیوه‌ها و راهکارهای کسب عزت فرهنگی

برای نیل به سبک زندگی اسلامی، باید مؤلفه‌های عزت فرهنگی را در جامعه شناخت و تقویت نمود. در ادامه، برخی از راه‌های عزت فرهنگی که در واقع، مقدمه و زمینه‌ساز نیل به سبک زندگی اسلامی می‌باشند، مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱. احیای هویت فردی و اجتماعی و توجه به داشته‌های خودی در جامعه

ارکان اصلی شکل‌دهی به هویت اجتماعی یک جامعه، باورها، ارزش‌ها و سبک

زندگی، یعنی نظام ترجیحات رفتاری آن جامعه است. از این رو، تمایزات و تفاوت‌های جوامع به این سه مؤلفه باز می‌گردد و مهم‌ترین عامل ارتباط برقرار نکردن این سه موضوع، نداشتن آگاهی لازم و در پی آن تقلید است (زارع پور)؛ لذا وقتی نحوه دعوت انبیا را در قرآن مورد مطالعه قرار می‌دهیم، مشاهده می‌کنیم که یکی از اهداف انبیا در طول تاریخ، احیای هویت انسان‌ها و مبارزه با تقلید کورکورانه،^۱ یعنی تغییر باورهای غلط شکل گرفته در امم و همچنین تغییر آنچه در جوامع بشری به عنوان ارزش تلقی شده (در حالی که ارزش نیستند) و ارائه سبک زندگی صحیح بر اساس شریعت الهی بوده است. این موضوع با مطالعه در آیات الهی، تاریخ اسلام و سیره رسول خدا ﷺ به وضوح قابل مشاهده است. بنابراین، بازگشت به هویت خویش در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم بسیار مهم و اساسی می‌باشد. اگر افراد جامعه انسانی، هر کدام هویت و نقش خود را در عالم هستی پیدا نمایند، متوجه این نکته خواهند شد که برای چه خلق شده و چگونه باید زندگی نموده و به سمت کمال حرکت نمایند.

لذا، احیای هویت فردی و اجتماعی افراد جامعه، یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم در جهت تغییر در سبک زندگی تلقی می‌شود. به دیگر سخن، بدون احیای هویت فردی و اجتماعی، تغییر جهت در سبک زندگی غلط و غیردینی، امری مشکل می‌باشد. در سبک زندگی اسلامی، برای تمام مراحل زندگی انسان، برنامه جامع و مدونی از طرف خداوند حکیم و شارع مقدس ترسیم شده است که همگی براساس حرکت به سمت کمال تدوین شده است و این سبک زندگی، در همه امور زندگی پیش از تشکیل نطفه تا هنگام مرگ برای انسان وجود دارد.

خطر تهی شدن افراد و جوامع از شخصیت حقیقی خود در کلمات رهبران بزرگ و مصلحان اجتماعی مشهود می‌باشد. از جمله امام خمینی (ره) در جاهای مختلف این مسئله را عنوان نموده‌اند:

آنها کوشش کردند که شخصیت ما را از ما بگیرند و به جای شخصیت ایرانی، یک شخصیت وابسته اروپایی شرقی و غربی به جایش بگذارند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۱۱۳/۱۴).

۱. ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (بقره/۱۷۰).

و در جای دیگر این چنین می‌فرمایند:

بر فرهنگ اسلام تکیه کنید، با غرب و غرب‌زدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غرب‌زده و شرق‌زده بتازید و هویت خویش را دریابید.

(همان، ۸۳/۱۳)

لذا، احیای هویتی که از سوی انبیای الهی در جهان هستی برای انسان‌ها ترسیم شده و توجه به این نکته اساسی که عزت از طرف خدای سبحان به انسان‌های مومن اعطا شده است،^۱ پس جامعه ایمانی نباید عزت الهی خود را در مقابل ظواهر شیطانی و تمدن مصرفی و امانیسم غربی از دست بدهد. اگر هر یک از افراد در جامعه متوجه این نکته باشند که سبک زندگی غربی، آنها را از حیات طیبۀ اسلام دور خواهد نمود، هرگز نخواهند پذیرفت که به سمت زندگی غربی حرکت نمایند.

۲. معرفی اسوه‌های حقیقی به جامعه در جهت نفی الگوبرداری‌های

کاذب و جعلی

اسوه را حالتی دانسته‌اند که انسان به هنگام پیروی از غیر خود پیدا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۹، ۱۸). الگو به شخصیتی اطلاق می‌شود که به دلیل دارا بودن برخی خصوصیات، شایسته تقلید و پیروی است (قائمی، ۱۳۸۲، ۲۶). در دنیای مدرن امروز، تقلید و الگوبرداری و الگوپذیری از رسانه‌ها بسیار زیاد است و افراد، تحت تأثیر رسانه‌ها، به سلیقه‌ها و ارزش‌های خود شکل می‌دهند و این سلیقه‌ها و ارزشهاست که منجر به بروز رفتار و در نهایت، شکل‌گیری سبک زندگی آنها می‌شود (محمدی، ۱۳۸۹، ۹۷). غریزه تقلید، یکی از غرایز نیرومند و ریشه‌دار در انسان است. انسان‌ها، بسیاری از رسوم زندگی، آداب معاشرت، غذا خوردن، لباس پوشیدن و... را از دیگران یاد می‌گیرند و بکار می‌بندند. حال، اگر در این تقلید، با معرفی و ذکر صالحان و نیکان و کسانی که توفیقاتی داشته‌اند، رغبت و گرایش به نیکی را در افراد تحریک کنیم، آنگاه بدیهی است که پیروی از آن صالحان و تقلید از آنها، نتایج پربارتری را برای فرد

۱. ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾: عزت و شوکت مخصوص خداوند، پیامبر و مؤمنان است (منافقون/۸).

به بار خواهد آورد. در مقابل تقلید شایسته، تقلیدی که از طرف رسانه‌ها و دیگر عناصر اثرگذار به جامعه ممکن است تزریق شود، تقلید از کسانی است که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کنند، کسانی که مظهر کامل تمدن غربی هستند. فرهنگ غرب، به عنوان فرهنگ مهاجم که پوسته‌ای طراحی شده و دل‌فریب دارد، در سطح جوامع جا باز می‌کند، به طوری که فرهنگ ملت‌ها را نابود می‌کند، بنیان‌های اجتماعی را از بین می‌برد و جایگزین فرهنگ بومی ملت‌ها می‌شود و در مدت زمانی نسبتاً کوتاه، به تدریج و خزنده، مبانی فکری جوامع را تغییر می‌دهد (زارع پور).

خداوند متعال به بحث اسوه در قرآن بسیار اهمیت داده است. معرفی اسوه در قرآن به دو صورت می‌باشد:

شکل اول: پروردگار مصادیق وارسته‌ای را به عنوان اسوه معرفی نموده است:
 ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (احزاب/۲۱).

علامه طباطبایی در ذیل آیه می‌نویسد: معنای آیه این است که یکی از احکام رسول خدا، رسالت رسول خدا و ایمان آوردن شما در این است که هم در گفتارش و هم در رفتارش، به او تأسی کنید و شما می‌بینید که او در راه خدا، چه مشقت‌هایی را تحمل می‌کند و چگونه در جنگ‌ها حاضر شده و همچنین، اسوه قرار دادن رسول خدا یک تکلیف ثابت و همیشگی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۸۸/۱۶).

شکل دوم: به اسوه بودن فرد تصریح نمی‌کند، ولی با قرائن و شواهدی از جمله فعل ممدوح و یا حالت پسندیده‌اش، ما را به پیروی از او می‌خواند. در مقابل معرفی اسوه‌ها، می‌توان از الگوهای جعلی و کاذب در معرفی به نسل جوان جامعه نام برد. معرفی شخصیت‌هایی برای نسل جوان به طور مستقیم یا غیر مستقیم.

۳. بکارگیری قاعده نفی سبیل در نفی تسلط فرهنگی دشمن در

حوزه‌های فرهنگی

یکی از مؤلفه‌های عزت فرهنگی، استقلال فرهنگی می‌باشد. استقلال، فقط در حوزه سیاست یا اقتصاد نیست؛ بلکه حوزه فرهنگی را هم شامل و بلکه مهمتر می‌باشد.

در مقابل استقلال فرهنگی، وابستگی و پذیرش سلطه فرهنگی می‌باشد. استقلال فرهنگی، زمینه‌ساز عزت فرهنگی است و سلطه فرهنگی، تهی شدن از فرهنگ را به دنبال خواهد داشت. برای حفظ استقلال فرهنگی در آیات الهی، راهکارهای فراوانی قابل برداشت می‌باشد. یکی از این راهکارها، کاربرست قاعده‌ای است که فقها از آن به عنوان «نفی سبیل» یاد می‌کنند. این قاعده، برگرفته شده از قرآن بوده و مراد از آن، این است که کافران حق سلطه بر مسلمانان را ندارند. این قانون، از جهتی بیشتر متوجه طراحان و مسئولان فرهنگی و کسانی هست که امور فرهنگی جامعه را در دست دارند و در مرحله بعد، متوجه تک تک افراد جامعه اسلامی می‌باشد. با توجه کردن به این آیه و ترویج این تفکر، به سبک زندگی اسلامی سوق داده می‌شویم؛ چراکه مطابق این آیه، خداوند اجازه تسلط فرهنگی کافران را به ما نداده است. در دنیای امروز، تسلط فرهنگی غرب بر ما، زمینه‌های گوناگونی دارد که مصرف‌گرایی، نحوه پوشش، نحوه خوراک و غیر آن را در برمی‌گیرد. لذا با توجه به این آیه، هر جا که قرار باشد در خصوص سبک زندگی، مدلی از غرب به جامعه اسلامی پیشنهاد شود، باید نفی گردد. البته در مباحث فرهنگی، تزریقات مسموم آرام آرام از طرف دشمن به جامعه ارائه می‌شود. لذا، زیرکی خاصی را می‌طلبد تا با این تزریقات مسموم مقابله نماییم. دایره این آیه را می‌توان، خیلی وسیع‌تر نموده و بگوییم مؤمنین حق ندارند در مقابل تهاجم فرهنگی غرب، حال ساکن به خود بگیرند؛ چراکه تزریق فرهنگ غربی، یعنی پذیرش تسلط آنها بر ما و پذیرش سبک و سیستم آنها؛ لذا این قاعده، هم از قواعدی است که علاوه بر کاربردهای فقهی خویش، می‌توان کاربردهای فرهنگی را از آن دریافت نمود.

۴. گسترش امر به معروف و نهی از منکر

یکی از اموری که در دین اسلام، بسیار بدان تأکید شده، امر به امور خیر می‌باشد. این مسئله، نه یک مسئله شخصی است، بلکه جامعه وقتی حیات خواهد داشت و خود را از دیگر سنن، واکسینه خواهد نمود که امر به معروف باشد. افراد جامعه، باید در امور خیر به هم کمک نموده و در خوبی‌ها از هم سبقت بگیرند. با این طریق، خیرات در

۱. ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نسا/۱۴۱).

جامعه ساری و جاری خواهد بود و فرهنگ ناب سبک زندگی اسلامی، فراموش نخواهد شد.

از طرف دیگر، جامعه زنده جامعه‌ای است که در آن منکرات، مورد تنفر و انزجار همگان قرار گیرد. وقتی که هر کدام از افراد جامعه در مقابل حرکت به سبک زندگی غربی، نهی از منکر نمود و در مقابل پلشتی‌های زندگی غربی و غیردینی و غیراسلامی، از خود واکنش نشان داد، آن جامعه با این کار فرهنگی، عزت خود را حفظ خواهد نمود. ولی، اگر در مقابل پلشتی‌های زندگی غیراسلامی واکنش نشان نداد و ساکت از کنار آنها گذشت، در آینده نه چندان دور، دامن خود او را هم خواهد گرفت و جامعه، از فرهنگ غیراسلامی در همه رفتارها تبعیت خواهد نمود و حقیقت خود را فراموش خواهد کرد. در این خصوص، روایات فراوانند که به دو مورد بسند می‌شود:

«الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ خَدَلَهُمَا خَدَلَهُ اللَّهُ»؛ امر به معروف و نهی از منکر، دو مخلوق از مخلوقات خداوند می‌باشند، هرکس آن دو را یاری کند، خداوند او را عزیز و آقا گرداند و هر کس آن دو را خوار نماید، خداوند او را خوار و ذلیل گرداند (طوسی، ۱۳۶۵، ۱۷۷/۶).

در روایت دیگر آمده است: «حَسْبُ الْمُؤْمِنِ عِزًّا إِنْ رَأَى مُنْكَرًا أَنْ يَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ بَيْتِهِ أَنَّهُ لَهُ كَارِهِ»؛ برای مؤمن همین بس که هر گاه منکری را دید، او را به قلب خود زشت بشمارد و خدا از تبت او آگاه است (همان: ۱۷۸).

از جمله مسائلی که در ذیل مسئله امر به معروف و نهی از منکر باید مورد توجه قرار گیرد، مبارزه فرهنگی با بدعت‌ها و سبک‌های غلط زندگی فردی و اجتماعی می‌باشد. یکی از مؤلفه‌های منفی که باعث می‌شود جامعه از سبک زندگی اسلامی خود دور شود، ایجاد بدعت‌های غلط در سبک زندگی می‌باشد. جامعه اسلامی در سبک زندگی خود، از جمله در مقوله ازدواج با ایجاد بدعت‌های غلط، کار را به جایی رسانده‌اند که سن ازدواج در بین جوانان روزبه‌روز در حال افزایش است. آیا این بدعت‌های غلط که در طول زمان به عنوان فرهنگ در جامعه جای می‌گیرند و نقش فرهنگی را ایفا می‌نمایند، با کدامین یک از سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام همخوانی دارد. لذا بدعت‌های غلط، یکی از مؤلفه‌های منفی است که دامن جامعه بدان آلوده شده است،

حتی در امور خیر مانند سفره‌های افطاری و البته، مسئولین هم در این امر بی‌تأثیر نیستند.

۵. ترویج فرهنگ قناعت و ساده‌زیستی در جامعه

یکی دیگر از مؤلفه‌های فرهنگی که باید در جامعه بدان پرداخته شود، مسئله قناعت و ساده‌زیستی است. در مقابل این صفت نیک، که در قرآن و روایات بدان پرداخته شده، می‌توان صفت مصرف‌گرایی را قرار داد. راه رسیدن به سبک زندگی اسلامی، از قناعت نفس و ترویج این فرهنگ در جامعه می‌گذرد. قناعت از ویژگی‌های مؤمنان و از امتیازات انسان‌های با فضیلت است. افراد خودساخته و آراسته، دارای روحیه قناعت و عزتند و با این روحیه عالی، هیچ‌گاه چشم طمع به مال دیگران ندوخته و برای کسب مال و مقام، شخصیت والای خویش را خرد و حقیر نمی‌کنند. در روایات اسلامی، از قناعت به عنوان وسیله عزت و بی‌نیازی و گنج فناپذیر، یاد شده است و در نقطه مقابل، اسراف و تبذیر و مصرف‌گرایی، وسیله شکست و ذلت معرفی شده است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«طلبت الغنی فما وجدت الا بالقناعة علیکم بالقناعة تستغنوا»؛ دارایی را جستجو کردم و آن را جز در قناعت نیافتم، قانع باشید تا دارا شوید (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۹۹/۶۶).

قناعت سبب می‌شود فرد به آنچه دارد راضی و شاکر باشد و طمع نوزد. این فرد، عاقلانه می‌اندیشد و با تدبیر برای به‌دست آوردن مال تلاش می‌نماید، بی‌آنکه راضی به ذلت شود. نتیجه قناعت، آرامش روان و عزت نفس است. در روایات دیگری به نتیجه قناعت که عزت باشد، اشاره شده است:

«القناعة تؤدی الی العز»؛ قناعت کردن منجر به عزت می‌شود (خوانساری، ۲۹۱/۱).

«اقنع تعز»؛ قانع باش تا عزت یابی (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۳/۷۵).

«نال العز من رزق القناعة»؛ به عزت می‌رسد هر کس قناعت پیشه نماید (خوانساری، ۱۸۲/۶).

در مقابل قناعت و ساده‌زیستی، می‌توان از سبقت در امور دنیا یاد نمود. یکی از

اموری که باعث می‌شود که جامعه از سبک زندگی اصیل اسلامی ایرانی خود فاصله بگیرد و به سمت مصرف‌گرایی غربی حرکت نماید، نگاه چشم و هم چشمی و رقابت‌های کاذب، در امور دنیوی می‌باشد؛ در حالی که این امر در کلام معصومین مورد نهی قرار گرفته است. از جمله امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«فَلَا تَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَ فَخْرِهَا وَ لَا تَعَجَبُوا بِزِينَتِهَا وَ نَعِيمِهَا وَ لَا تَجْرَعُوا مِنْ صَرَائِفِهَا وَ يُوسِئِهَا فَإِنَّ عِزَّهَا وَ فَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ وَ إِنَّ زِينَتَهَا وَ نَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ»؛ پس در عزت و ناز دنیا بر یکدیگر پیشی نگیرید و فریب زینت‌ها و نعمت‌ها را نخورید و مغرور نشوید و از رنج و سختی آن ننالید و ناشکیبا نباشید؛ زیرا عزت و افتخارات دنیا پایان می‌پذیرد، و زینت و نعمت‌هایش نابود می‌گردد (نهج البلاغه: خطبه: ۹۹).

آری، وقتی تجملات و رقابتها در خانواده‌ها در امور دنیوی سبقت گرفت، جامعه از سبک زندگی اسلامی خود دور خواهد شد.

۶. افزایش کیفیت دین‌داری و تقوی فردی و جمعی

رابطه‌ای عمیق میان کیفیت باورها و ارزش‌ها و سبک زندگی وجود دارد. سبک زندگی، نشان دهنده میزان و کیفیت باورها و ارزش‌های ما است. بیانگر این است که آن باورها و ارزش‌ها، تا چه میزان در جان ما رسوخ کرده‌اند؛ به هر میزانی که در جان ما نهادینه شده باشند، به همان میزان خود را در شیوه زندگی ما نشان می‌دهند (شریفی، ۱۳۹۱، ۵۷)؛ لذا در روایات بر مسئله تقوی، پرهیزکاری و دین‌داری بسیار تأکید شده است، و آثار و برکات آن هم به جامعه گوشزد شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«لَا عِزَّ أَعَزَّ مِنَ التَّقْوَى»؛ هیچ عزتی عزیزتر از تقوا و پرهیزکاری نیست (نهج البلاغه، حکمت: ۳۰۱).

و در جای دیگر فرموده است:

«بندگان خدا! بدانید که تقوا حصاری بلند و غیرقابل تسلط است و بی‌تقوایی و هرزگی، حصاری است که مانع و حافظ ساکنان خود نیست و آن کس که به آن پناه ببرد، حفظ نمی‌کند. همانا با تقوا، نیش گزنده خطاها بریده می‌شود» (نهج البلاغه دشتی)، خطبه: ۱۵۷).

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«هرکس می‌خواهد با عزت‌ترین مردم باشد، تقوای الهی پیشه کند».

در مقابل تقوی و دین‌داری، بی‌تقوایی است که به مصادیق فراوانی از آن می‌توان اشاره نمود. یکی از مصادیق اجتماعی بی‌تقوایی در حوزه فرهنگی، تشابه به کفار می‌باشد. در روایات، از تشابه به کفار نهی شده است. این نهی، می‌تواند در همه مقوله‌های سبک زندگی جریان یابد. یعنی نه در پوشش و نه در سایر امور جامعه اسلامی، نباید خود را به کفار و دشمنان شباهت رساند. یکی از مصادیق ذلت مسلمانان آن است که در انتخاب مدل و شیوه پوشش، خوراک و سایر مصارف فردی و خانوادگی، بدون توجه به ایده‌های بومی و استفاده از توانمندی‌های ملی، به تقلید از بیگانگان روی آورند. تغییراتی که در سبک زندگی برخی خانواده‌ها اتفاق افتاده، نشان‌دهنده فاصله گرفتن از سنت‌های اصیل و ارزش‌های بومی و تقلید بدون اندیشه از غرب است، تغییراتی همچون مصرف نکردن غذاهای سنتی ایرانی، استفاده از لباس‌هایی به سبک غربی و ساخت منازل باز و بدون حریم (آیت‌اللهی، ۱۳۹۱، ۲۳۲). در ادامه به برخی از روایات در این زمینه اشاره می‌کنیم:

رسول خدا می‌فرماید:

«من تشبه بقوم فهو منهم»؛ هر کس به قومی شباهت رساند، پس او از آن قوم شناخته می‌شود. (مجلسی: ۱۴۰۳، ۱۷۵/۱۱)

امام علی علیه السلام فرمود:

«قَالَ مَنْ تَسَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ»؛ چه کم است کسی که خود را همانند مردمی کند و از جمله آنان نشود (نهج البلاغه: ۵۰۶).

و در روایت دیگر آمده است:

«أَنَّه قَالَ مَنْ تَسَبَّهَ بِقَوْمٍ عَدَّ مِنْهُمْ» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۷/۴۴۰).

در روایت دیگری که از امام باقر علیه السلام وارد شده، آمده است:

«خداوند به یکی از پیامبران وحی نمود که به قومت بگو: همچون دشمنان خدا لباس نپوشند، مثل آنان خوراک نخورند، از جهت ظاهری هم مثل آنان نباشند؛ زیرا در این حال همچون آنان دشمن خدا خواهند بود (نوری، ۱۴۰۸، ۱۶/۲۹۷).

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، نتایج ذیل استفاده می‌شود:

۱. مقوله فرهنگ و سبک زندگی، رابطه مستقیمی با هم دارند و دور شدن از فرهنگ، دور شدن از سبک زندگی را به دنبال خواهد داشت.
۲. آنچه که در مباحث فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد، نهادینه شدن آنها در جامعه می‌باشد، تا جامعه به سبک زندگی اسلامی برسد.
۳. در این مقاله، ما به موارد کلی که بیشتر جنبه اجتماعی داشت اشاره نمودیم؛ وگرنه در روایات، موارد فراوانی ذکر شده است از جمله صبر، شجاعت، جهاد، کظم غیظ و...
۴. موارد شمرده شده، جدا از هم نبوده، بلکه همگی در کنار هم هستند و از جهاتی با هم تداخل دارند.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، عبدالواحد تمیمی، (بی تا)، غررالحکم و درر الکلم، مترجم: محمد علی انصاری قمی، تهران، چاپ هشتم.
۳. آیت اللهی، زهرا و همکاران (۱۳۹۱)، اخلاق خانواده، قم، دفتر نشر معارف.
۴. ثقفی، رضا (۱۳۴۸)، مفاهیم فرهنگ در ادبیات فارسی، مجله فرهنگ و زندگی.
۵. جوهری، اسماعیل بن عماد (۱۹۸۴)، صحاح اللغة، بیروت، دارالعلم، چاپ سوم.
۶. خطیبی، حسین و ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۲)، مروری بر شاخص‌های سبک زندگی، معرفت شماره ۱۸۵.
۷. خوانساری، جمال الدین (۱۳۶۶)، شرح غررالحکم و درر الکلم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، صفوان عدنان داودی، دمشق و بیروت، دارالعلم الشامیه، چاپ اول.
۱۰. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۲)، آداب و سبک زندگی اسلامی، تهران، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا.
۱۱. _____ (۱۳۹۱)، سبک زندگی به عنوان شاخص برای ارزیابی سطح ایمان، معرفت فرهنگی، اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۱.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسین، چاپ پنجم.

۱۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، التهذیب، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۱۴. عمید، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر.
۱۵. قائمی، محمد رضا (۱۳۸۲)، روش الگویی در تربیت اسلامی، مجله تخصصی معرفت، ش ۶.
۱۶. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ششم.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، بیروت، دارالرضا.
۱۸. محمدی، افشین و بی‌بک آبادی، غزال (۱۳۸۹)، بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی و الگوی رفتاری در فیلم‌های سینمایی پرفروش، پژوهش‌نامه فرهنگی، سال یازدهم، شماره ۱۱.
۱۹. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، ۲۲ ج، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۰. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۱. ولی‌زاده، محمدجواد (۱۳۹۲)، ضرورت تعریف بومی (اسلامی ایرانی) از سبک زندگی، علوم اجتماعی: مهندسی فرهنگی.

22. <http://basirat.ir/fa/news/279181>.